

آچارکشی

هر شهروند یک بیل



پوریا عالمی

• یک اتوبوس مسافربری در اتوبان تهران - قم آتش گرفت و استثنائا هیچ مسافری سوخت. تولیدکنندگان اتوبوس و خودرو، سازمان استاندارد، وزارت‌های صنعت و اقتصاد و واردات و بازرگانی، مجری شبکه دو و ممدآقا، بقال سرکوپچه، این موضوع را به هم تبریک گفتند و جشن ملی اعلام کردند. یکی از مسئولان گفت ما نتوانستیم روی کیفیت و استاندارد اتوبوس‌ها کار کنیم تا نسوزند، اما همه مسافران را قبل از سوارشدن به اتوبوس یک ساعت بشین‌پاشو می‌دهیم تا آمادگی جسمانی لازم برای فرار از اتوبوس در حال اشتعال را داشته باشند. وی گفت ما با سازمان هواپیمایی هم در حال مذاکره هستیم تا مسافران هوایی را بسپارند دست ما، تا ما روی پریدنشان بدون چتر نجات کار کنیم. این مقام مسئول گفت چون ما نمی‌توانیم تلفات سیل را مدیریت کنیم، به تعداد هم‌وطنان مایو ضدغرق وارد کشور کردیم تا بتوانند هنگام سیل خودشان را روی آب نگه دارند و غرق نشوند. وی گفت مشکل رسیدن آتش‌نشانی به منازل و کارگاه‌ها را هم که نمی‌توانیم حل کنیم، اما قرار شده به هر شهروند یک بیل بدهیم تا هنگام آتش‌سوزی سریع دست‌به‌کار شود و خودش را با بیل خاموش کند و مسئولیتش را گردن ما نیندازد. پدر این‌همه نبوغ بسوزد که این مسئولان حیف‌ومیل شدند و فرارمغزها نکردند. جا دارد ما برویم در افق گم شویم و خلاص.

پیشنهاد فردا

همایش کودکی در ایران

• **شرق:** مؤسسه «رحمان» در نظر دارد با همکاری دیگر نهادهای مدنی، همایشی با عنوان «کودکی در ایران» برگزار کند. موضوع همایش، مفهوم کودکی در ایران است که در چهار محور اصلی سیاست کودکی، تاریخ کودکی، کودک و زندگی روزمره و تصویر کودکی به آن پرداخته خواهد شد. همایش «کودکی در ایران» در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه هفتم و هشتم مهر ۱۳۹۴ از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۹:۳۰ برگزار می‌شود. اطلاعات بیشتر را می‌توانید در سایت رحمان ببینید: www.rahman.org.ir

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹۴ • ۱۳ ذی‌الحجه ۱۴۳۶ • ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۰۷ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ • اذان مغرب ۱۸:۱۳ • اذان صبح فردا ۴:۳۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنفرها



سامسونگ SAMSUNG



SAMSUNG

Galaxy Note5

NEXT IS NOW



مجتبی راعی

تجربه‌های ما مسلمانان به‌عنوان یک امت بزرگ فرازوفرودهای بسیاری داشته و دارد اما در همه اتفاقات یک ویژگی مشترک بوده؛ تأکید بر اتحاد و جلوگیری از هرگونه تفرقه. طبیعتاً همه آنهایی که به مکه مکرمه مشرف شده‌اند، خاطرات بد و خوبی از رفتار مسئولان این کشور در مواجهه با زائران ایرانی دارند اما در تمام این سال‌ها، قداست خانه خدا و اهمیت این سفر معنوی به حدی بوده که سختی تمام این مواجهه‌ها را به جان خریدند و مشتاقانه به سمت این سرزمین حرکت کرده‌اند. اتفاق تلخ اخیر در منا اما می‌تواند در کنار تمام اشک و ماتم‌هایش

نکته

در اهمیت برائت مجید درخشانی و گروه ماه‌بانو



سید ابوالحسن مختاباد

رای دادسرای انقلاب بر برائت مجید درخشانی، آهنگ‌ساز و موزیسین خوشنام ایرانی و دستور منع تعقیب تمامی اعضای گروه ماه (یا ماه‌بانو) از جهاتی بسیار مهم است. متأسفانه خبر لغو دو کنسرت اسناد شهرام ناظری و علی‌اکبر مرادی، شیرینی این خبر مهم را تا حدودی کم‌رنگ کرد و آن را در حاشیه قرار داد. البته لغو آن کنسرت‌ها نیز بسیار مهم است و اسباب آزرده‌گی خاطر، به‌خصوص لغو کنسرت اسناد ناظری که در این دو سال اخیر کم برای این دولت مایه نگذاشت، با حسن‌نیت وارد میدان شد و از قرار از یک‌سو مشکلاتی را برای اجرای کنسرت فرزندش به وجود آوردند و از دیگرسو کنسرتش را در تبریز به‌هم زدند؛ کنسرتی که به‌گمانم به‌نوعی تقویت همبستگی ما ایرانیان است که یک موزیسین از کرمانشاه و کردستان در تبریز به اجرای برنامه می‌پردازد و مشخص نیست کدام شیرپاک‌خورده‌ای چنین رفتاری کرده که کنسرتی این‌چنینی را لغو کرد. اما بازگردیم به رای برائت برای جناب

درخشانی.

شاکي آقای درخشانی و گروه ماه، پلیس امنیت ایران بود که از آقای درخشانی و گروهش به دلیل «تهیه و تدوین و انتشار فیلم تک‌خوانی زنان در راستای قبح‌شکنی این موضوع» شکایت کرده بودند. اما دادسرا، شکایت را وارد ندانست و علاوه بر آن رای به منع تعقیب اعضای گروه داد.

با عنایت به اینکه قوانین دادگاه‌های جمهوری اسلامی برآمده از احکام اسلامی است (به‌دلیل آنکه این قوانین از زیر نظر و نگاه فقهای شورای نگهبان می‌گذرند)، تفسیر چنین حکمی این است که اگر یک گونه موسیقی حداقل در نوع فاخر و سنتی آن با صدای تک‌خوان باشد و توزیع هم شود مشکل خاصی ندارد و می‌توان این کار را تکرار کرد، چراکه کار غیرقانونی، غیرعرفی و غیراخلاقی، صورت نگرفته است.

این از معدود نوبت‌هایی است که علیه یک موزیسین صاحب‌نام طرح دعوی می‌شود و کار در همان مرحله دادرسی وارد تشخیص داده نمی‌شود. یعنی جرمی صورت نگرفته و این کار قبح‌شکنی هم نیست.

وقتی کاری انجام می‌شود که ابتدا از دید دادگاه و قوه قضائیه جرم تشخیص داده می‌شود و بعد از شکایت و دادرسی مشخص می‌شود آن فعالیت جرم نیست، نتیجه این رای آن می‌شود که می‌توان آن فعالیت را استمرار داد و هیچ‌گونه قبح و قباحتی هم ندارد.

در چندسال گذشته شکایت‌هایی از سوی موزیسین‌ها به دادگاه صورت گرفت مثل شکایت خانواده مرحوم فرهاد از صداوسیما بابت پخش بدون مجوز آثار مرحوم فرهاد که اتفاقاً این شکایت به مراحل خوبی هم رسیده بود که خانواده مرحوم فرهاد پاپس کشیدند و ادامه ندادند.

نگارنده امیدوار بود که خانه موسیقی در این‌زمینه تحرکی از خود نشان دهد و حتی با نگارش یک نامه یا دادن بیانیه از دادسرا و شعبه یادشده قدردانی کند. اما وقتی خبر چنین امر مهمی را روی سایت خانه موسیقی هم قرار نمی‌دهند، دیگر چه انتظاری از پیگیری چنین نکته مهمی؟

در این‌میان اما برای تقویت چنین ادبیاتی چه نیکوست که آقای مجید درخشانی و اعضای گروه به تشریح دقیق‌تر این ماجرا بپردازند تا اگر نمونه‌های مشابهی رخ داد، از این تجربه دیگران هم بتوانند استفاده کنند.

سلام به فردا

جلوی افراط و تفریط بایستیم

این فاجعه را بر دوش بکشند. این در حالی است که شورایی‌شدن مدیریت حج می‌توانست، بار این مسئولیت را بر دوش دیگر کشورها هم بگذارد و در شرایط فعلی، شاهد کمک‌های بیشتری از سوی دیگر کشورها باشیم.

اما موضوع خطرناک، موج‌های نژادپرستانه‌ای است که در قالب پیامک و کامنت‌هایی در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست می‌شود؛ بی‌ملاتی مسئولان عربستان بهانه‌ای به دست افرادی داده که یا با اصل حج زاویه دارند یا ناسیونالیست‌های افراطی‌ای هستند که می‌خواهند از آب گل آلودشده، ماهی مفت بگیرند! خواص در چنین شرایطی باید هوشیارتر باشند و نگذارند این اتفاق با افراط و تفریط، محملی شود برای برداشت‌های هنجارگیز. باید مراقب بود که امروز هم دوباره کلیت امت اسلامی محور اتحاد همه باشد نه یک گروه، یک دسته یا یک نژاد خاص.

همین روزها

امتیاز ویژه «مجیدی»

گیسو ففغوری

در جشنواره‌های جهانی نیز خوش بدرخشند و نامی شناخته‌شده در جهان و پخش‌کننده‌های جهانی دارند یا می‌توانند به دست بیاورند. اتفاقی که در هر دو مورد برتری سینمای ایران در اسکار - حضور «بچه‌های آسمان» در جمع پنج گزینه برتر و برنده‌شدن «جدایی»- جزء امتیازها بود. شاید با توجه به حضور کادر جهانی در بین سازندگان حضرت محمد(ص)، کفه جهانی‌بودن به سمت فیلم مجیدی سنگین‌تر باشد.

۳- هنگامی که موضوعات آثار راه‌یافتن بین شش فیلم را مرور می‌کنیم، ساختار «قصه‌ها» و «ماهی و کربه» کمی با سیستم معمول اسکار متفاوت است. می‌دانیم اعضای آکادمی اسکار سلیاق خاصی دارند.

آنان از شیوه‌های رایج داستان‌گویی در فیلم‌ها پیروی می‌کنند، به‌طور پنهان یا آشکار آثاری که پایان تلخ دارند را، دوست ندارند. گاهی اوقات به‌شدت تحت‌تأثیر اتفاقات سیاسی روز هستند و... از طرفی یکی از دلایل موفقیت آثار ایرانی داشتن تهیه‌کننده و پخش‌کننده جهانی است. بنابراین در این زمینه هم «حضرت محمد (ص)» کفه سنگین‌تری دارد چون قصه‌ای کلاسیک دارد و نگاه مهربانانه‌ای از پیامبر اسلام را در روزگاری که داعشیان جلوه خشونت‌باری از اسلام ارائه می‌دهند، مطرح می‌کند. آن هم در روزگاری که فاجعه منا رخ داده است و توجه‌ها به کعبه، مکه، یمن و سوریه در سراسر دنیا بیشتر از هر زمان دیگری است. با این زاویه دید قطعاً توجه به ایرادهای فیلم‌نامه‌نویسی در درجه اهمیت پائینی قرار می‌گیرد.

۴- خوب یا بد برخی از فیلم‌سازان موردتوجه هستند و «مجید مجیدی» هم رکورددار بیشترین تعداد آثار ارائه‌شده به اسکار است که احتمالاً هر سال به امید تکرار موفقیت فیلم «بچه‌های آسمان» این موقعیت در اختیارش قرار می‌گیرد. به‌گونه‌ای که او هر سال فیلمی ساخته، روانه اسکار شده است، مروری بر آثار ارائه‌شده به این رقابت همین نکته را نشان می‌دهد: «بچه‌های آسمان»، «رنگ خدا»، «باران»، «آواز گنجشک‌ها» و امسال «حضرت محمد (ص)»

۵- اختصاص مقدار زیادی بودجه برای این فیلم و موقعیت‌های ویژه برای اکران، تنها بخشی از دلایل عدم همراهی جامعه سینمایی است که به صورت خاموش و با نادیده‌گرفتن اثر از کنارش گذشته‌اند هرچند این فیلم در آن سوی مرزهای ایران با نقدهای مثبتی روبه‌رو شده است. شاید امید اندکی به برگزیده‌شدن این فیلم حتی در فهرست اولیه اسکار فیلم‌های خارجی می‌توان داشت اما نمی‌توان نادیده گرفت در طول این سال‌ها بخشی از انتخاب آثار برای اسکار برای تبلیغات سیاسی پیش رفته، نه تبلیغات آتجنانی. هنوز به یاد داریم سخنان تأثیرگذار اصغر فرهادی هنگامی که مجسمه اسکار را در دست داشت و از صلح‌دوستی مردم ایران گفت در روزهایی که هر لحظه خطر جنگ بالای سر کشورمان خوندنمایی می‌کرد. این بار نیز از این فرصت استفاده شد تا جنبه‌های زیبایی از زندگی پیامبری که دوستش را داریم به دیگران نشان دهیم، پیامبری که افراطیون آن را به بدترین وجه در دنیا معرفی می‌کنند.

همین حوالی

مرگ برگ

علی کرپایی ، متخصص اعصاب و روان

زندگی می‌کنیم... مرگ را زیر پاهای زندگی له می‌کنیم و این لذتبخش است. به‌خصوص روی خزان باکره. ما پدیده‌های دست‌خورده را دوست نداریم حتی اگر مرگ باشد. برف باکره؛ برفی که تازه باریده و قرار است پوتین‌هایمان بکارت برف را درنوردد و صدای قرق‌چرچ نبرد زندگی و مرگ را بشنویم و از پیروزی زندگی خرسند باشیم. کشتن مرگ، یادآور زندگانی است و شادی انجام فعلی مکروه. از کودکی به ما گفته شده روی سنگ قبر آدمیزاد راه نروید، گراحت دارد، بروید روی سنگ قبر طبیعت راه بروید لذت دارد.

پاییز رسیده است و ما عاشق راه‌رفتن روی برگ‌های خشک پاییزی... گذر زمان و راه‌رفتن روی برف‌های زمستانی. به نظر می‌رسد برف سفید و برگ زرد هرچند خود نماد دورانی از چرخه طبیعتند ولی ذات راه‌رفتن به ما لذت می‌دهد؛ از اینکه زنده‌ایم و رونده. اینکه ضربه‌هنگ زندگی را با راه‌رفتن روی برگ و برف می‌شنویم. اینجاست که پی می‌بریم پا، قلب دوم ماست چون تپش دارد، و این ردپای حیات است که مرگ را له می‌کند. برگ پاییزی، باقی‌مانده اجساد درختان است و پس از مدتی اجساد با کفن برف پوشیده می‌شوند، و ما روی هرو دراه می‌رویم...